

ارزیابی تطبیقی جایگاه و کارکرد خبر واحد تفسیری در مبانی آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جوادی آملی*

محمد رضا شاهرودی** و نجمه سادات میرغفوریان*** محسن خوش فر****

چکیده

خبر واحد از آن جهت که در تفسیر حجیت دارد یا خیر، در مبنای مفسر اثر می‌گذارد. کسانی که حجیت خبر واحد را به دلیل آیه (نبأ) و سیره عقلاء پذیرفته‌اند دستشان نسبت به تفسیر بازتر است از آنانی که حجیت خبر واحد را در تفسیر به علت حجیت تعبدیه نمی‌پذیرند؛ لذا این اختلاف، دو دیدگاه بین قدمای مفسرین به وجود آورده است و مفسران معاصر هم به تبع اساتید خود این دو روش را در تفسیرشان اعمال کرده‌اند. حضرت آیت الله جوادی آملی تفسیر خود را بر مبنای عدم حجیت خبر واحد در تفسیر بنا می‌گذارد و حضرت آیت الله فاضل لنکرانی مبنایشان پذیرش حجیت خبر واحد در تفسیر می‌باشد.

حاصل آنکه: با بررسی مبانی هر دو دیدگاه؛ مشاهده می‌شود که پذیرندگان حجیت خبر واحد در تفسیر، شرایطی برای آن قائل هستند و روایاتی که از لحاظ سند یا محتوا، ضعف یا سستی در آن‌ها مشهود باشد را معتبر ندانسته و نمی‌پذیرند. و اما آن‌هایی که برای خبر واحد در تفسیر حجیت قائل نیستند، در تفاسیرشان از خبر واحد آورده‌اند. که جای تأمل دارد.

واژگان کلیدی: تفسیر، خبر واحد، حجیت خبر واحد، روایات تفسیری، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله جوادی آملی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۹ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۱.

** دانشیار دانشگاه تهران: mhshahroodi@ut.ac.ir

*** دانش آموخته سطح چهار مجتمع آموزش عالی کوثر (نویسنده مسئول): n.mir2013@yahoo.com

**** دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه: mohsenkshofar@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم به عنوان معجزه جاودان اسلام و اولین منبع احکام و معارف الهی می‌باشد، در آیات قرآن کریم پیامبر ﷺ به عنوان اولین مفسر و مبین آن معرفی شده است. از آن جا که معارف دینی و احکام شرعی در قرآن به صورت کلی و مجمل بیان شده است، تبیین و تفصیل این جزئیات و مصادیق بر عهده پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد و ایشان حاملان واقعی و آگاهان حقیقی قرآن کریم شناخته شده‌اند. لذا تمسک به قرآن بدون اهل بیت و تمسک به اهل بیت بدون قرآن انحراف ایجاد می‌نماید. در نتیجه جایگاه سنت و حدیث در فهم و تفسیر قرآن انکارناپذیر است. به این جهت در حجیت و اعتبار سنجی خبر واحد بین قدماء از مفسرین و به تبع آن‌ها در مفسرین معاصر دو دیدگاه مبنی بر انکار و یا پذیرش اعتبار خبر واحد به وجود آمده است.

نوشتار حاضر در صدد است به صورت تطبیقی دو دیدگاه از عالمان معاصر آیت‌الله جوادی آملی به عنوان منکر حجیت خبر واحد در تفسیر و دیدگاه حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی به عنوان موافق حجیت خبر واحد در تفسیر را بررسی نماید. پرسشی که مطرح است این است که ارزش خبر واحد در باب تفسیر چقدر است؟ جایگاه آن کجاست؟ آیا می‌شود در تفسیر به آن اعتماد کرد؟

از دیر باز این بحث مطرح بوده است و می‌توان آغاز آن را در حدود قرن‌های ۴ و ۵ دانست و مفسرین و دانش‌مندان علوم قرآنی در تفاسیر و کتاب‌های خود به آن پرداخته‌اند هم‌چون بزرگانی از قدماء مثل شیخ طوسی در التبیان و کتاب العدة فی الاصول، شیخ انصاری در کتاب فوائد الاصول، شیخ مفید در کتاب تصحیح الاعتقاد که شرح اعتقادات شیخ صدوق است، سیوطی در کتاب علوم قرآنی الاتقان، آیت‌الله خوئی در کتاب علوم قرآنی البیان، آیت‌الله معرفت در کتاب تفسیر المفسرون، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و کتاب اسلام در قرآن و آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم و تفسیر موضوعی قرآن کریم و آیت‌الله فاضل لنکرانی در کتاب مدخل التفسیر پرداخته‌اند، مقالاتی نیز این دیدگاه‌ها را بررسی نموده‌اند از آن جمله: مقاله خانم مریم جعفری (تحلیل تفاوت دیدگاه‌های قائلان به حجیت اخبار آحاد در حوزه تفسیر) و آقای مجید معارف در مقاله (حدیث، جایگاه و کارکرد آن در مبانی تفسیری آیت‌الله جوادی آملی).

مراد از خبر واحد

خبر واحد خبری است که به حد تواتر نرسیده، هرچند راویان آن زیاد باشد؛ این خبر بدون قرائن خارجیه فی نفسه مفید علم نیست؛ لذا بعضی قائل شدند به اینکه با انضمام قرائن خارجیه افاده علم می‌کند و بعضی با قرائن خارجیه را هم مفید علم نمی‌دانند و نظر اول صحیح‌تر است (شرح معالم الاصول، مازندرانی، بی‌تا: ۳۳۵).

علامه حلی در کتاب مبادی الاصول می‌فرماید: «خبر الواحد هو ما یفید الظن و ان تعدد المخبر» (مبادی الاصول، علامه حلی، ۱۴۰۴ق: ۲۰۳) خبر واحد، خبری است که افاده ظن می‌کند، اگرچه راویان آن متعدد باشند.

اقسام خبر واحد

خبر واحد دو قسم است، اول خبر واحدی که محفوف به قرائن قطعی است که با آیات قرآن، یا سنت متواتر، یا اجماع محصل قطعی و یا با حکم عقل قطعی موافق باشد. دوم خبر واحد مجرد از قرائن قطعی که یا به کلی از قرائن خالی است و یا همراه با قرائن ظنی و اطمینانی است که به سرحد یقین نمی‌رسد؛ مانند موردی که مشهور علما به آن حدیث عمل کرده‌اند و یا اجماع منقولی موافق با آن حدیث است و یا حدیث معتبری موافق با آن باشد (شرح اصول فقه، محمدی، ۱۳۷۵: ۱۳۶/۳).

قسم اول قرآینی همراه خود دارد که زمینه ساز حصول اطمینان به صدور می‌شود مانند وجود روایت در کتب معتبر یا دارا بودن سند عالی و یا در سند بزرگانی وجود دارند و یا حصول اطمینان به مضمون آن می‌شود مانند مطابقت با قرآن و احادیث دیگر (تفسیر روایی جامع، معرفت، ۱۳۹۶: ۱۱۴) حتماً حجت است و بحث در قسم دوم که فاقد قرینه‌های اطمینان آور می‌باشد که میان علمای شیعه و سنی اختلاف است که آیا خبر واحد بدون قرینه قطعی حجیت دارد یا خیر؟ و آیا دلیل قاطعی بر حجیت خبر واحد وجود دارد؟ و شیعه بالاتفاق می‌گوید: خبر واحد بدون قرینه مفید ظن است و ظن بما هو ظن ارزشی ندارد (شرح اصول فقه، محمدی، ۱۳۷۵: ۱۳۷/۳).

حجیت خبر واحد

شیخ انصاری رحمته الله علیه مسئله حجیت خبر واحد را در کتاب فوائد الاصول به صورت گسترده بیان نموده و در آن دو دیدگاه یکی انکار و دیگری پذیرش حجیت خبر واحد را مورد نقد و بررسی قرار داده است، ایشان انکار حجیت خبر واحد را به کسانی همچون سید مرتضی، ابن براج، ابن زهره، طبرسی و ابن ادریس نسبت می‌دهد و حجیت خبر واحد را با اجماع علماء شیعی از دوران معاصر تا زمان شیخ مفید و شیخ طوسی ثابت دانسته است (آسیب‌شناسی روایات تفسیری، دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ۲۹) دیدگاه اول طرفداری ندارد و به اصطلاح فقهاء منقطع الاخر است و این عده افراط کرده‌اند (شرح اصول فقه، محمدی، ۱۳۷۵: ۱۳۸/۳).

ملاک حجیت

مشهور فقهاء شیعه برای خبر واحد بدون قرائن قطعیه از باب ظن خاص حجیت قائل هستند، و این نظریه خودش به چند دسته تقسیم می‌شود، گروهی مانند صاحب المناهج تمام روایات کتب اربعه به استثنای روایات شاذ و مخالف مشهور را از باب ظن خاص حجت می‌دانند و جماعتی از قبیل محقق اول در معارج الاصول می‌گویند: بعضی از روایات کتب اربعه حجت است و ملاک حجیت ایشان عمل اصحاب است و بعضی هم ملاک حجیت خبر واحد را عدالت راوی دانسته؛ لذا هر حدیثی که راویان آن عادل باشد، حجت است و هر حدیثی که راوی آن امامی عدل نباشد، چه ممدوح باشد یا نه و چه موثق باشد یا نه، حجت نیست، و شیخ انصاری و مرحوم مظفر و مشهور متأخرین، مطلق وثاقت راوی و تحرز از کذب را برای حجیت خبر واحد کافی می‌دانند و کسانی مثل شهید هر حدیث مظنون الصدوری را حجت دانسته؛ اگر چه راوی آن شمر بن ذی الجوشن باشد، پس ملاک حجیت خبر ظن به صدور روایت است (همان، ۱۴۰).

تصحیح اخبار

از نظر اصولی زمانی می‌توان خبر واحد را پذیرفت که دارای شروطی باشد، درباره این شرایط شیخ طوسی در العدة فی الاصول می‌گویند: «فأما ما اخترته من المذهب فهو أنّ خبر الواحد إذا كان وارداً من طريق أصحابنا القائلين بالامامة و كان ذلك مروياً عن النبي ﷺ أو عن واحد من الائمة ﷺ و كان ممن لا يظعن في روايته و يكون سديداً في نقله جاز العمل به» (العدة فی الاصول، شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۲۶). از نظر شیخ خبر واحد در صورت دارا بودن که این شرایط چهارگانه را داشته باشد می‌پذیریم: راوی امامی باشد، از پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه روایت کند، از کسانی باشد که جرح و قدح نشده باشد و در نقل حدیث استوار باشد، عمل به این خبر واحد جایز است. غزالی درباره شروط اعتبار خبر واحد چنین می‌گوید: زمانی که وجوب عمل به خبر واحد ثابت شد باز هم هر خبری پذیرفته نمی‌باشد و روایتی قابل قبول است که راوی آن مکلف، عادل، مسلمان و ضابط باشد، خواه به تنهایی یا همراه با فرد دیگری روایت کند (المستصفی من علم الاصول، غزالی، ۱۳۲۲ق: ۷۰).

دیدگاه‌های مختلف درباره حجیت خبر واحد

طرفداران حجیت خبر واحد ادعا می‌کنند که دلیل قاطع و پشتوانه قاطع بر این حجیت وجود دارد و منکرین حجیت خبر واحد مدعی هستند که دلیل قاطعی وجود ندارد، بنابراین اختلاف در حجیت به اختلاف در وجود دلیل قاطع بر حجیت خبر واحد بر می‌گردد.

در این مسئله اقوالی وجود دارد که شیخ مظفر رحمته الله سه قول را بیان کرده‌اند: «فمنهم من أنکر حجیته مطلقاً، و قد حکى هذا القول عن السيد المرتضى و القاضى و ابن زهرة و الطبرسى و ابن إدريس و ادّعوا فى ذلك الإجماع. و لكن هذا القول منقطع الآخر، فإنه لم يعرف موافق لهم بعد عصر ابن إدريس إلى يومنا هذا. و منهم من قال: «إنّ الأخبار المدوّنة فى الكتب المعروفة لا سيما الكتب الأربعة- مقطوعة الصدق». و هذا ما ينسب إلى شزيمة من متأخري الأخباريين. قال الشيخ الأنصارى تعقيباً على ذلك: و هذا قول لا فائدة فى بيانه و الجواب عنه إلّا التحرّز عن حصول هذا الوهم لغيرهم كما حصل لهم، و إلّا فمدعى القطع لا يلزم بذكر ضعف مبنى قطعه... و أمّا القائلون بحجّية خبر الواحد فقد اختلفوا أيضاً: فبعضهم يرى أنّ المعتبر من الأخبار هو كلّ ما فى الكتب الأربعة بعد استثناء ما كان فيها مخالفاً للمشهور. و بعضهم يرى أنّ المعتبر بعضها و المناط فى الاعتبار عمل الأصحاب، كما يظهر ذلك من المنقول عن المحقّق فى المعارج. و قيل: المناط فيه عدالة الراوى أو مطلق وثاقته، أو مجرد الظنّ بالصدور من غير اعتبار صفة فى الراوى... إلى غير ذلك من التفصيلات» (أصول الفقه، مظفر، ۱۳۴۰: ۷۵/۳).

- ۱- گروهی از دانش مندان منکر حجیت خبر واحد مجرد از قرینه هستند و این قول از سید مرتضی و القاضی ابن براج و ابن زهره و طبرسی و ابن ادريس نقل شده و ادعای اجماع کرده اند، این قول از ابن ادريس تا اکنون طرفدارى ندارد به اصطلاح منقطع الاخر است، این گروه افراط نموده‌اند.
- ۲- عده‌ای از اخباریان متأخر، تمامی روایاتی که در کتب معروف حدیثی به‌ویژه در کتب اربعه نقل شده، مقطوع الصدور و یقین آور می‌دانند که این گروه در ادعای مزبور، تفریط کرده‌اند.
- ۳- در مقابل دو دسته قبل، مشهور فقهاء هستند که خبر واحد مجرد از قراین قطعیه را از جهت ظن خاص حجت می‌دانند؛ این گروه خود، به چند دسته تقسیم می‌شوند.

بررسی دیدگاه‌ها درباره روایات تفسیری

حجیت خبر واحد در روایات تفسیری دو دیدگاه را به خود اختصاص داده است:

۱. دیدگاه عدم اعتبار روایات تفسیری

شیخ طوسی امکان تعبد به اخبار آحاد در تفسیر و اصول اعتقادی را هم‌چنان که در فروع دین و احکام واقع شده است باور دارد، ولی عمل به خبر واحد در حوزه فقه و احکام شرعی را واجب نمی‌داند بلکه تنها حکم به جواز آن می‌نماید. شیخ ادله قائلان به حجیت خبر را تعبداً تام نمی‌داند و در مقدمه تفسیر خود (تبیان) روایات تفسیری ظن آور را صرفاً به عنوان مراد احتمالی آیه می‌پذیرد و می‌گوید: چنان‌چه روایات ظن آور باشد نمی‌توان آن را تفسیر واقعی آیه به شمار آورد و به عنوان شاهد بر کتاب خدا قرار داد و سزاوار است که توقف شود و تنها به عنوان مراد احتمالی آیه تلقی گردد (التبیان فی تفسیر القرآن، طوسی، بی تا: ۸/۱).

آقا ضیاء عراقی و مرحوم نائینی نیز خبر واحد دارای اثر شرعی مستقیم را در صحت و اعتبار خبر واحد شرط می‌دانند (اجود التقریرات، نائینی، ۱۳۶۸: ۶-۱/۲ و نه‌ایة الافکار، عراقی، ۱۴۱۷ق: ۳/۹۴).

علامه طباطبایی می‌فرماید: خبر واحد ظن آور فقط در احکام شرعی حجیت دارد و در غیر آن قابل جعل و اعتبار شرعی نیست (المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۰/۳۵۱).
 آیت‌الله جوادی آملی به تبع نظریه استاد خود علامه طباطبایی با تقسیم بندی مسائل دینی به دو بخش معارف اعتقادی و احکام عقل بیان می‌کنند که در احکام عملی که جای تعبد و عمل است علاوه بر قطع و اطمینان، مظنه خاص نیز راه گشا خواهد بود و بخش معارف اعتقادی را به دو دسته تقسیم می‌نمایند: ۱. روایاتی که در اصل صدور و جهت صدور دلالت بر محتوا قطعی است، پذیرفتنی و حجت است؛ ۲. روایات و ادله نقلی که یقین آور نیست بلکه مفید ظن و گمان است، حجت نیست.

۲. دیدگاه اعتبار روایات در فقه و تفسیر مطلقاً

هم‌چون دانش‌مندان اهل سنت که در جهت خبر واحد فرقی میان روایات فقهی و غیر فقهی قائل نشده‌اند، شماری از عالمان معاصر شیعی نظیر آیت‌الله خویی، آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله سبحانی متعرض این مطلب شده‌اند.

آیت‌الله خویی در این مسئله می‌فرماید: «معنای حجیت و اعتبار علائم و اماراتی که به طور ظنی و احتمالی، واقع را به ما ارائه و نشان می‌دهند این است که طبق نظر شارع ان علائم به جای دلایل علمی و یقین آور به کار می‌رود، پس آن طریق ظنی معتبر به حکم شارع، فردی از افراد علم تعبدی خواهد بود و نه علم وجدانی؛ البته تمام آثار قطع و یقین وجدانی بر چنین علم تعبدی مترتب خواهد بود.» (البیان فی تفسیر القرآن، خویی، ۱۳۹۳: ۵۵۰) ایشان سیره عقلاء را دلیل خود بیان می‌کنند؛ زیرا عقلاء همانگونه از دلایل علمی پیروی می‌کنند از دلایل ظنی معتبر نیز پیروی می‌نمایند و میان دلایل علمی و ظنی فرقی قائل نیستند و به هر دو ترتیب اثر می‌دهند (همان).

۷۲

آیت‌الله فاضل لنکرانی به تبع استاد خود آیت‌الله خویی برای خبر واحد تفسیری حجیت قائلند و می‌فرماید: «اگر شخص عادل از امام معصوم (علیه السلام) روایت نقل کند در این صورت دیگر میان روایت مذکور و آیات قرآن از نظر اعتبار تفاوتی وجود ندارد. عمل عقلای قوم براساس ظاهر کلمات و تشخیص منظور از طریق الفاظ و نوشته‌ها تنها عامل اعتبار قرآن محسوب می‌شود. نمی‌توان گفت که ظاهر الفاظ قرآن هنگامی حجیت دارند که شامل احکام عملی باشند بلکه به طور مطلق ظاهر تمامی الفاظ قرآن حجّت به شمار می‌آید. هم‌چنین نمی‌توان گفت که روایت نقل

شده از معصوم تنها در باب تفسیر معتبر است. به عبارت دیگر تفسیر قرآن توسط معصوم علیه السلام نه تنها در باب احکام فقهی بلکه به طور مطلق حجّت به شمار می‌آید» (مقدمات بنیادین علم تفسیر، فاضل لنکرانی، ۱۳۸۴: ۲۹۳).

گونه‌ها و کارکردهای روایات تفسیری

روایات تفسیری در تفاسیر حدیثی فریقین کارکردهای مختلفی دارند و از جمله کارکردها در باب فضایل آیات و سوره‌های قرآن و ثواب و فواید قرائت آن وارد شده است برخی دیگر اختلافات قرائت واژگان قرآنی را بیان می‌کنند و برخی هم اسباب و شأن نزول را بازگو کرده اند در گروهی از روایات مکی و مدنی بودن سوره‌ها و آیه‌ها و یا نحوه قرار گرفتن آن‌ها آمده است و در پاره‌ای از آن‌ها تبیین مفردات غریب یا تعابیر مبهم و مجمل قرآن می‌باشد.

بعضی از روایات به تبیین و جزئیات احکام شرعی پرداخته‌اند و برخی روایات از باب جری و تطبیق است و تنها یک یا چند مصداق از مصادیق عام و کلی آیه را نشان می‌دهد و نهایتاً گروهی از روایات به تأویل و معانی باطنی آیات می‌پردازند (آسیب‌شناسی روایات تفسیری، دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ۱۲).

اکنون درباره‌ی روایات تفسیری به بررسی نظریه‌ی آیت‌الله فاضل لنکرانی به‌عنوان موافق و دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی به‌عنوان مخالف پرداخته می‌شود.

۱. دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی

گفتار پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام در تحلیل و تفسیر آیات قرآن کریم حجت می‌باشد، علت حجیت سخن‌های پیامبر روشن است، امام نیز یکی از ثقلین است که پیامبر برای رهایی از گمراهی و نادانی به تمسک به آن فرمان داده است. لذا باید به روایت معتبر ثقلین پیامبر عمل نمود و روایات محکم و متواتر معصومین حتی اگر با ظاهر قرآن هم خوانی نداشته باشد باید به آن عمل نمود، زیرا روایات نقل شده از معصوم اگر متواتر باشد و قطعیتش ثابت شود به عنوان قرینه تعیین کننده به شمار می‌آید.

آیت‌الله فاضل لنکرانی در بحث حجیت روایات از طرق خبر واحد جامع شرایط که بتوان بر اساس آن به عنوان یک روایت معتبر، حکم شرعی عملی صادر نمود یا خیر، نظرشان این است که بین دو بخش حجیت و اعتبار هیچ‌گونه تفاوتی نیست، که اگر مفاد خبر یک حکم شرعی و یا موضوعی برای دستیابی به حکم شرعی باشد خبر واحد حجت به شمار آید، اما اگر چنین نبود حجیت معنا ندارد و در نتیجه خبر واحد در تفسیر آیاتی که با احکام عملی در ارتباط نیستند

حجیت ندارد. زیرا به طور حتم فرقی بین احکام عملی و غیر آن از نظر حجیت و اعتبار نمی‌باشد و می‌توان به خبر واحد استناد کرد زیرا شیوه و سیره عقلای عالم است و این از پایه های اثبات حجیت خبر واحد است و احکام شرعی تبعدی که از قرآن و سنت و اجماع گرفته شده اند حجیت خبر واحد را اثبات می‌نمایند.

حال، پرسش این است که: آیا عقلاء فقط در مورد احکام عملی به قرآن استناد می‌کردند یا در تمامی زمینه‌ها؟

به نظر می‌رسد در تمامی زمینه‌ها این استناد وجود داشته است؛ هر چند هیچ‌گونه تأثیر عملی بر آن مترتب نباشد و حتی موضوعی برای یک اثر عملی نباشد؛ شیوه زندگی عقلاء در تمامی ابعاد این گونه بوده است. لذا اگر شخص عادل از معصوم روایت نقل کند، میان روایت و آیات قرآن از نظر اعتبار تفاوتی وجود ندارد. عمل عقلای قوم بر اساس ظاهر کلمات و تشخیص منظور از طریق الفاظ و نوشته‌ها تنها عامل اعتبار قرآن محسوب می‌شود، به طور مطلق ظاهر تمامی الفاظ قرآن حجت است، پس نمی‌توان گفت زمانی که الفاظ قرآن شامل احکام عملی باشند، حجیت دارند. و به همین جهت روایات نقل شده از معصوم نه تنها در باب احکام فقهی بلکه به طور مطلق حجت به شمار می‌آید. ایشان می‌فرمایند: «استناد به خبر واحد نه تنها صحت احکام فقهی موجود در آیات قرآن را به اثبات می‌رساند بلکه تمام روایات مربوط به تفسیر قرآن قابل اعتبار می‌باشند» (فاضل لنکرانی، مقدمات بنیادین علم تفسیر، ۱۳۸۱: ۲۹۱-۲۹۳).

به عنوان نمونه مفهوم از آیه نبأ حجت بودن خبر واحد را ثابت می‌کند و اگر خبر دهنده عادل باشد به خبر او استناد می‌شود و نیازی به تحقیق درباره صدق مدعای او نمی‌باشد و این در حالی است که آیه نبأ درباره احکام عملی نیست.

آیت الله فاضل لنکرانی خبر واحد را در زمینه تفسیر به طور مطلق حجت می‌دانند و می‌فرمایند: «نسبت دادن مطالب به خداوند متعال و تبیین منظور وی از خلال آیات قرآن مجید نه تنها در زمینه احکام فقهی بلکه در تمامی زمینه‌ها یعنی مواعظ، نصایح و قصص برای استفاده افکار عمومی و اقشار جامعه صورت می‌گیرد. می‌توانیم خبر کشته نشدن و به دار آویخته نشدن عیسی (علیه السلام) را به خداوند نسبت دهیم هر چند این خبر ارتباطی با احکام فقهی ندارد» (همان).

۲. دیدگاه آیت الله جوادی آملی

دو رویکرد متفاوت بر تفسیر تسنیم حاکم است؛ رویکرد اول و اصلی: رویکرد قرآن به قرآن و رویکرد دوم: توجه و تذکر به بهره‌گیری از حدیث می‌باشد که مفسر به سبب اخبار متواتری چون حدیث ثقلین، بدان پرداخته است؛ این نوع رویکرد، «رویکرد ثقلینی» نامیده می‌شود. موضع

متعلق به رویکرد قرآن به قرآن در این رویکرد ایشان در مسیر استاد خود علامه طباطبایی گام برداشته و بین حجیت خبر واحد در مسائل علمی و عملی تفاوت قائل شده و مسائل دین را به دو بخش «معارف اعتقادی» و «احکام عملی» تقسیم می‌نماید.

تفسیر ایشان قرآن به قرآن می‌باشد و شیوه معصومین علیهم‌السلام نیز در تفسیر قرآن این گونه بوده است. قرآن کریم به جهت اینکه کلام خدای متعال است و یکی از منابع دینی می‌باشد لذا حجیت آن همانند حجیت قطع، ذاتی می‌باشد و به خود تفسیر می‌پذیرد و اگرچه اندیشه‌های بیرونی در فهم قرآن سهیم می‌باشند اما قرآن هم در اصل و هم در تبیین خطوط کلی معارف دین حجیت دارد و مستقل هم می‌باشد. روش تفسیری اهل بیت این گونه بوده است که در پاسخ به پرسش‌های تفسیری، آیات قرآن را به یکدیگر ارجاع می‌دادند و با سایر آیات، آیه مورد نظر را تفسیر می‌کردند. همچنین سیره فقها و اصولی‌ها در استنباط احکام فقهی این بوده که از آیات الاحکام بهره برده و برخی از آیات را با مقیدات و خصصات سایر آیه‌های قرآن تقید یا تخصیص می‌زدند.

مطلب دیگر آن که ممکن است گفته شود در حدیث شریف ثقلین، عترت همسان با کتاب خدا است و لازمه این همسانی این است که روایات اهل بیت علیهم‌السلام، عدل و همتای قرآن مجید باشد و اگر در فهم قرآن رجوع به روایات نشود، یک افتراق بین کتاب خدا و عترت قلمداد می‌شود.

آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: «عدم افتراق ثقلین به چه معناست؟ جدایی ناپذیری ثقلین بدین معنا نیست که امام علیه‌السلام همواره مصحفی را به همراه خود دارد؛ بلکه به معنای عدم انفکاک امامت و وحی قرآنی از یکدیگر است؛ امامان علیهم‌السلام مبین و مفسر قرآن و شارح جزئیات و تفاسیل و نحوه اجرای کلیات آن هستند و قرآن نیز انسان‌ها را به معصومین علیهم‌السلام ارجاع و به سنت آنان بهاء می‌دهد.

اگر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث ثقلین، سخن از جدایی ناپذیری ثقلین به میان نمی‌آورد، جای این توهم بود که تمسک به هر یک، به تنهایی برای هدایت بشر کافی است؛ اما بخش پایانی حدیث شریف ثقلین بر خلاف این پندار باطل، قرآن و عترت را به عنوان دو حجت مستقلی که در مدار تبیین دین کامل، یعنی دین قابل اعتقاد و عمل به هم بستگی دارند و هیچ کدام از دیگری مستغنی نیستند مطرح می‌کند. بنابراین، قرآن کریم با این که در اصل حجیت و هم‌چنین در دلالت ظواهر مستقل است و وابستگی آن به روایات در این بخش، مستلزم دور خواهد بود، هرگز حجت منحصر نیست. روایات نیز گرچه پس از تثبیت اصل حجیت آن به وسیله قرآن (چه در سنت قطعی و چه در سنت غیر قطعی) و بعد از احراز عدم مخالفت آن با قرآن (در خصوص سنت غیر قطعی) حجتی مستقل است؛ لیکن حجت مستقل منحصر نیست و این دو حجت مستقل غیر منحصر همراه با حجت مستقل سوم، یعنی برهان عقلی، سه منبع مستقل غیر منحصر معارف دین است که

با ملاحظه و جمع بندی نهایی هر سه منبع می‌توان به پیام خدا و حکم قطعی الهی دست یافت. پس مفاد حدیث شریف ثقلین این نیست که تمسک به هر یک از قرآن و عترت، بدون تمسک به دیگری مایه هدایت است» (تفسیر تسنیم، جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱/۱۵۱).

آیت‌الله جوادی آملی پس از تبیین پیوند ناگسستگی قرآن و عترت محدوده استقلال قرآن را در سه جهت می‌داند: ۱- در اصل حجیت، ۲- در دلالت ظواهر الفاظ، ۳- در ارائه خطوط اصلی و کلی دین، بنابراین قرآن مستقل است و از به غیر خود وابستگی ندارد؛ اما دین برای ارائه پیام خود به قرآن و سنت معصومان علیهم‌السلام در کنار هم وابسته است و این دو جایی ناپذیرند؛ پس قرآن تبیین خطوط کلی را به عهده دارد و کار سنت تبیین حدود و تفصیل احکام است. ایشان روایات را هم به دو دسته ظنی الصدور که در سند و دلالت وابسته به قرآن هستند و روایات قطعی الصدور که فقط در سند وابسته به قرآن است؛ تقسیم می‌نمایند، پس روایات قطعی الصدور همتای قرآن می‌شوند (همان، ۱/۱۵۵-۱۵۳).

ایشان حاصل بحث را اینگونه بیان می‌کنند: «قرآن و عترت برای ارائه دین کامل و صالح برای اعتقاد و عمل دو ثقل متحدند، نه یک واحد و نه دو ثقل جدا از یکدیگر. بر اساس حدیث شریف ثقلین، عترت منهای قرآن، عترت منهای عترت خواهد بود و هم چنین قرآن منهای عترت، به منزله قرآن منهای قرآن خ واهد بود. پس قرآن و عترت در ارائه دین جامع، به منزله یک حجت الهی هستند» (همان، ۱/۱۵۵).

حجیت سخنان معصومین علیهم‌السلام به دو بخش معارف اعتقادی و احکام عملی تقسیم می‌شوند، در احکام عملی جای تعبد و عمل است، علاوه بر قطع و اطمینان، مظنه خاص هم کاربرد دارد، لذا اگر کلام معصومین به صورت خبر واحد بدون قرائن قطع آور باشد، در مسائل عملی و فرعی حجیت تعبدی دارد، اما در معارف اعتقادی ظن و گمان اعتباری ندارد و تعبد پذیر نیست، بلکه باید اطمینان و قطع حاصل شود. در معارف اعتقادی کلام معصومین علیهم‌السلام دو دسته می‌شوند، اول روایاتی که در ارکان سه گانه اصل صدور، جهت صدور و دلالت بر محتوا، دارای جزم و یقین هستند، این روایات در صدد بیان معارف واقعی است و تقیه‌ای نیست، این گونه روایات کم هستند ولی چون یقین آورند در معارف دین راهگشا و حجت می‌باشند در اثبات مسائل اصولی به استثنای اصل اثبات مبدا هم اینگونه هستند و دیگری روایاتی که فاقد یقین هستند و مفید ظن و گمان می‌باشند. سه بخش روایات اینگونه هستند:

الف) معارف اصول دین مانند اصل توحید و نبوت که اعتقاد به آن‌ها ضروری است و یقین و جزم در آن معتبر است که با روایات ظنی یقین حاصل نمی‌شود و حجت نیست.

ب) معارفی که از اصول دین نیستند و اعتقاد تفصیلی به آن‌ها ضروری نیست و ایمان اجمالی در آن‌ها کافی است، مانند حقیقت‌هایی هم‌چون عرش، قلم و فرشته که انسان با علم اجمالی قانع می‌گردد و در حد احتمال مفاد روایت ظنی پذیرفتنی است.

ج) معارفی که نه از اصول دین و نه از قسم دوم، بلکه مسائل علمی و آیات الهی در خلقت را بیان می‌کنند؛ مانند آغاز آفرینش آسمان‌ها و زمین بسته بود «رتق» و سپس «فتق» گشوده شد؛ اینگونه روایات نه ثمره عملی دارد و نه جزم علمی در آن‌ها معتبر می‌باشد و لذا روایات غیر قطعی در حد احتمال در اینجا هم پذیرفته می‌شود ولی حجت تبعدی نیست زیرا ادله حجیت خبر واحد در مسائل عملی و تبعدی است و در مسائل علمی نمی‌توان کسی را بدون حصول مبادی تصدیقی متعبد به علم کرد (تفسیر تسنیم، جوادی آملی، ۱۳۶۱: ۱/۱۵۸-۱۵۶).

آیت‌الله جوادی آملی سرّ تفکیک مباحث روایی از بحث‌های تفسیری در تسنیم و المیزان را این‌گونه می‌فرماید:

«گرچه بررسی روایات مربوط به هر آیه ضروری است و بدون مراجعه به روایات نمی‌توان تنها به مفاد قرآن در بخش‌های علمی، عالم شد و در بخش‌های عملی عمل کرد. چون تفسیر مطلقات، تخصیص عمومات و تفصیل کلمات آیات قرآن برعهده معصومین است؛ ولی بررسی روایات باید بعد از تحلیل آیات قرآن باشد، نه در عرض آن‌ها، به طوری که به کمک روایات اصل معنای آیه را بفهمیم، زیرا روایات «موزون» و قرآن کریم «میزان» سنجش آن است و در تفاسیری که مراحل مزبور طی نشده و مرزبندی مباحث قرآنی و روایی صورت نپذیرفته، میزان و موزون به هم آمیخته شده است و حجیت روایات در عرض حجیت قرآن تلقی شده است در حالیکه حجیت روایات تفسیری در طول قرآن است نه در عرض آن» (همان، ۱/۱۶۴).

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که بسیاری از روایاتی که در تفاسیر روایی آمده‌اند، برای تفسیر آیه نیستند، زیرا: «تفسیر به معنای بیان معانی الفاظ و جمله‌های قرآنی است و این روایات برای تفسیر نیستند بلکه برای تطبیق آیه بر برخی از مصادیق آن است و ذکر یک مصداق به معنای عدم انطباق بر سایر مصادیق نمی‌باشد. مگر دلیلی در انحصار بیاید» (همان، ۱۶۸).

آیاتی که دلیل برای انحصار دارند مثل آیه ولایت ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مانده/ ۵۵) ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

و آیه مباحله ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ﴾ (آل عمران/ ۶۱) که مصداق آیه منحصر و محدود می‌باشد (تفسیر موضوعی قرآن کریم، جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۳۹۲).
 فایده روایات تطبیقی این است که با بیان برخی مصادیق آیه، مفسر دستش در تطبیق آیه بر دیگر مصادیق باز هست و می‌تواند معنای کلی ارائه دهد.

دیدگاه ایشان درباره فایده خبر واحد این است که «ثمره خبر واحد تنها ظن است و چون تعبد به ظن تنها در عمل ممکن است پس خبر واحد تنها در امور عملی و تعبدی حجت است، اما در مسائل علمی بر اساس خبر واحد ظن آور نمی‌توان متعبد شد زیرا در مسائل علمی باور مطرح است و امکان تعبد نیست» (تفسیر تسنیم، جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱/۱۲۶).

«آنچه در علم اصول گفته شده که خبر واحد در مسائل عملی معتبر است و در امور علمی حجت نیست به همین معناست و در واقع ارشاد به نفی موضوع است، بدین معنا که در امور اعتقادی با خبر واحد علم حاصل نمی‌شود، نه این‌که علم حاصل می‌شود ولی حجت نیست اصلاً از خبر غیر قطعی ساخته نیست که در اندیشه انسان اثر یقینی بگذارد مگر آن که متن آن برهانی باشد یا سند آن قطعی یا محفوف به قراین قطعی باشد» (همان).

به عنوان شاهد آن‌چه گذشت ذکر چند نمونه خالی از لطف نیست، ایشان یکی از دلایل رد روایات تفسیری حروف مقطعه را از مسایل علمی و اعتقادی می‌داند؛ لذا ابتدا باید حصول اطمینان از مضمون این گونه روایات با تبیین سندی و دلالتی شود و دست کم باید اعتبار لازم در روایات فقهی را داشته باشد یعنی صحیح یا موثق یا حسن باشد. زیرا فقه از امور عملی و تعبدی است و تفسیر از امور علمی و تفاوت این دو این است که در مسائل عملی امکان تعبد به ظن می‌باشد ولی در مسائل علمی تعبد به ظن ممکن نیست (همان، ۱/۱۲۵ و ۱۲۶).

هم‌چنین در بحث روایی ذیل آیه ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ﴾ (بقره/ ۶۰) می‌نویسد: «با اغماض از سند و اعتراض به صعوبت اثبات این گونه از معارف علمی با خبر واحد که واجد همه شرایط اعتبار و حجیت نیست، پذیرش محتوای آن محذور عقلی ندارد (همان، ۴/ ۶۲۴)، بنابراین حجم وسیع روایات در تسنیم، منافاتی با استقلال قرآن ندارد، زیرا بخش عمده روایات، تنها مؤیداتی بر برداشت تفسیر هستند و بخش بسیاری نیز جزو روایات تطبیقی به حساب می‌آیند، نکته دیگر آن است که استفاده از روایات برای فهم و تفسیر قرآن، ناظر به لزوم بررسی شیوه تفسیر قرآن توسط ائمه علیهم‌السلام است، نه اینکه مفسر بدون در نظر گرفتن قراین داخلی آیه، به سراغ روایت برود و برداشت خود از آن را، تفسیر آیه قلمداد کند. چنان‌که پیش

از این بیان شد، ایشان هم چون مرحوم علامه طباطبایی به استقلال قرآن در تبیین آیات قرآن قائل است، ولی بحث روایی تسنیم، هم به لحاظ کیفی از عمق بالایی برخوردار است و هم به لحاظ کمی اینگونه است.

جمع بندی

هر دو دیدگاه در اینکه گفتار پیامبر ﷺ و ائمه اطهار  در تحلیل و تفسیر آیات قرآن کریم حجت است و امامان  مبین و مفسر قرآن و شارح جزئیات و تفصیل و نحوه اجرای کلیات آن هستند و قرآن نیز انسان‌ها را به معصومین ارجاع می‌دهد و به سنت آن‌ها بها می‌دهد و بین قرآن و عترت پیوند ناگسستنی می‌باشد و هرگز از یک‌دیگر جدا نمی‌شوند متفق هستند.

اختلاف از آن جا ناشی می‌شود که معتقدان به حجیت خبر واحد مثل آیت‌الله فاضل لنکرانی برای خبر واحد حجیت ذاتی قائل شده‌اند و نسبت دادن مطالب به خداوند متعال و تبیین منظور وی از خلال آیات قرآن مجید نه تنها در زمینه احکام فقهی بلکه در تمامی زمینه‌ها یعنی مواعظ و نصایح و قصص برای استفاده افکار عمومی و اقشار جامعه صورت می‌گیرد و عقلاء در تمامی زمینه‌ها استناد می‌داده‌اند، هر چند هیچ‌گونه تأثیر عملی بر آن مترتب نباشد به همین جهت روایات نقل شده از معصوم نه تنها در باب احکام فقهی بلکه به طور مطلق حجیت به شمار می‌آید. معتقدان به عدم حجیت خبر واحد در روایات تفسیری مثل آیت‌الله جوادی آملی روایات را به دو دسته تقسیم نموده است:

۱. ظنی الصدور که سنت غیر قطعی می‌باشد، هم در سند و هم در دلالت وابسته به قرآن کریم می‌باشد.
 ۲. قطعی الصدور که در همه شئون همتای قرآن می‌باشند.
- و از جهتی مسائل دین هم به دو بخش معارف اعتقادی و احکام عملی تقسیم می‌شوند، در احکام عملی قطع، اطمینان و هم مظنه خاص کاربرد دارد و جای عمل و تعبد می‌باشد و اگر خبر واحد بدون قرائن قطع آور هم باشد، حجیت تعبدی دارد.

اما در معارف اعتقادی حجیت سخنان معصومین که دارای ظن و گمان باشند، اعتباری ندارند و تعبدپذیر نیستند.

البته دیدگاه مخالف حجیت خبر واحد در روایات تفسیری روایات را به سه دسته تقسیم می‌کنند؛ روایاتی که معارف اصول دین هستند و اعتقاد به آن‌ها ضروری و یقین در آن معتبر است، با روایات ظنی یقین حاصل نمی‌شود و حجیت نیستند؛ اما روایاتی که معارفی را بیان می‌کند، که ایمان اجمالی به آن‌ها کافی است مثل عرش، در اینجا در حد احتمال خبر واحد پذیرفتنی است و

معارفی که از مسائل علمی و آیات الهی خلقت است، نه ثمره عملی و نه جزم علمی دارد، پذیرفته می‌شود؛ ولی حجت تعبدی نیست. لذا این روایات برای تفسیر نیستند مگر دلیلی بر انحصار بیاید بلکه برای تطبیق آیه بر برخی از مصادیق آن است و فایده آن این است که دست مفسر باز است و می‌تواند معنای کلی ارائه دهد.

سخن موافقان حجیت روایات تفسیری با دلیل سیره عقلاء، روایات تفسیری را معتبر می‌دانند و برای آن حجیت قائل اند، این دیدگاه مورد قبول می‌باشد، زیرا عقلاء در امور خود به دارا بودن اثر عملی توجهی ندارند و برای خبر واحد اعتبار قائلند؛ لذا کسانی که سیره عقلاء را به عنوان دلیل بر حجیت خبر واحد پذیرفته اند، آن را در همه موارد چه فقه و چه تفسیر حجت می‌دانند و کسانی هم که حجیت خبر واحد را از طریق آیات و روایات اثبات می‌کنند نه با سیره عقلاء، باز هم این آیات و روایات فرقی بین دارا بودن اثر شرعی و نداشتن اثر شرعی نمی‌گذارند و آن‌ها اعتبار این روایات را امضاء کرده اند؛ نهایتاً اگر هم اثر شرعی شرط باشد، می‌توان اثر را توسعه داده و حجیت این روایات را اثبات نمود؛ زیرا با اعتبار دادن به این روایات، تفسیر معصومین علیهم‌السلام درباره آیات قرآن به دست می‌آید و این خود اثر مهمی است؛ بنابراین روایات تفسیری حجیت دارند و فرقی با دیگر روایات ندارند. ثمره دیگر قائل شدن به حجیت روایات تفسیری این است که بسیاری از معارف قرآنی برای ما معلوم و روشن می‌شود و می‌توان از بیانات معصومین بهره مند گردید. نکته قابل توجه آنکه قائلین به عدم حجیت روایات تفسیری در تفسیر آیات از روایات بهره برده‌اند و روایات را کنار نگذاشته اند، بنابراین معتبر ندانستن و کنار نهادن روایات در تفسیر آیات، محرومیت همیشگی از سخنان این بزرگوران را به دنبال دارد و فقط کسانی که ایشان را درک کرده اند، می‌توانند از بیانات ایشان بهره ببرند، که قابل پذیرش نیست (اعتبار و کاربرد روایات تفسیری، ناصح، ۱۳۸۷: ۵۴/۱).

نتیجه

خبر واحد نزد علمای شیعه افاده ظن می‌کند و ظن بما هو ظن ارزش ندارد و برای حجیت آن، به دلیل قطعی نیاز است. لذا مبنای عمل قداماء به خبر، اطمینان به صدور آن از معصوم علیهم‌السلام بوده است. همه متأخران و معاصران و بسیاری از قداماء به جهت قیام دلیل قطعی بر اعتبار خبر واحد، قائل به حجیت آن هستند. زیرا متأخران به سبب عدم دسترسی به اصول معتبر حدیثی نخستین و نیز قرآن موجود نزد قداماء یا تقسیم حدیث به چهار قسم اصلی و ملاحظه سند و احوال راوی و مراجعه به علم رجال به تصحیح روایات پرداخته‌اند.

معتقدان به حجیت خبر واحد ادعا می‌کنند برای حجیت آن دلیل قطعی ندارند و از باب ظن خاص حجت است، لذا شروطی را لحاظ می‌کنند از آن جمله: ۱. امامی بودن راوی؛ ۲. معصوم بودن مروی عنه؛ ۳. ضابط بودن راوی در نقل حدیث؛ ۴. عدم جرح و قدح راوی. منکرین حجیت خبر واحد ادعا می‌کنند چنین دلیل قطعی‌ای وجود ندارد. و برای اثبات مدعای خود به آیاتی از قرآن و روایاتی از سنت و اجماع، تمسک نموده‌اند.

در روایات تفسیری به جهت وجود اختلاف در بحث اصولی حجیت خبر واحد، دو دیدگاه به وجود آمده است: ۱. دیدگاه عدم اعتبار روایات تفسیری؛ ۲. دیدگاه اعتبار روایات در فقه و تفسیر. دیدگاه عدم اعتبار روایات تفسیری، زمانی که خبر واحد دارای اثر شرعی مستقیم باشد می‌پذیرند پس خبر واحد ظن‌آور در احکام شرعی حجیت دارد و در غیر آن قابل جعل و اعتبار شرعی نیست.

دیدگاه اعتبار روایات در فقه و تفسیر مانند دانش‌مندان اهل سنت که در جهت خبر واحد فرقی میان روایات فقهی و غیر فقهی قائل نشده‌اند و خبر واحد ثقه که شرایط حجیت و اعتبار را داراست در تفسیر قرآن حجیت دارد، دلیل ایشان سیره عقلاء است زیرا عقلاء از دلایل ظنی معتبر که امارات نامیده می‌شوند، پیروی می‌کنند؛ زیرا شارع کاربرد آن را پذیرفته است. از میان نظرات متأخران، دو دیدگاه درباره روایات تفسیری به عنوان موافق و مخالف حجیت خبر واحد بررسی می‌گردد.

دیدگاه آیت‌الله فاضل به عنوان موافق حجیت خبر واحد در تفسیر و فقه مطلقاً، ایشان تفاوتی بین اینکه مفاد خبر یک حکم شرعی و یا موضوعی برای دستیابی به حکم شرعی باشد نمی‌گذارند و خبر واحد را دارای حجیت می‌دانند دلیل ایشان شیوه و سیره عقلای عالم است.

دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی به عنوان مخالف حجیت خبر واحد در تفسیر، مسائل دین را به دو بخش معارف اعتقادی و احکام عملی تقسیم می‌نمایند و قائلند در احکام عملی قطع و اطمینان ظن خاص کاربرد دارد و جای عقل و تعبد است و حجیت تعبدی دارد. اما در مسائل اعتقادی اگر حجیت سخنان معصومین علیهم‌السلام دارای ظن و گمان باشد اعتباری ندارند و تعبد پذیر نیستند. روایاتی که از نظر سند خبر متواتر یا خبر واحد محفوف به قرینه قطعی است و از نظر جهت صدور، بیان معارف واقعی است و از روی تقیه صادر نشده و در دلالت نص است و ظاهر نیست یقین آورند و حجت هستند؛ اما این روایات کم هستند. ایشان معتقدند روایات برای تفسیر نیستند بلکه برای تطبیق آیه بر برخی مصادیق آن می‌باشد.

منابع

۱. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
۲. پیروزفر، سهیلا، جایگاه روایات در تفسیر تسنیم، دو فصل نامه حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
۳. جوادی آملی، عبد الله، تسنیم ۱ و ۲ و ۴ و ۵، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم، ۱۳۹۶ ش.
۴. جوادی آملی، عبد الله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قرآن در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۵. حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، بیروت: داربصائر التراث العربی، ۱۳۸۸ ش.
۶. حکیم، سید محمد تقی، الاصول العامه للفقہ المقارن، نجف: ۱۹۷۹ م.
۷. حلی، حسن ابن یوسف، مبادئ الوصول الی علم الاصول، قم: مطبعة العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۸. خراسانی، محمد کاظم، کفایة الاصول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ ق.
۹. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا: منشورات النوار الهمدی، چاپ هشتم، ۱۴۰۱ ق.
۱۰. دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله (حجیت در اصول فقه)، شماره ۵۸۳۲.
۱۱. دیاری بیدگلی، محمد تقی، آسیب شناسی روایات تفسیری، قم: مهر، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۳. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، قم: منشورات الشریف رضی، بی تا.

۱۴. شیخ الانصاری، مرتضی، فوائد الاصول، قم: انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۵. شیخ بهایی، محمد بن حسین، مشرق الشمسین و اکثر السعادتین، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۱۶. صدر، سید حسن، نهایه الدرايه، مشعر، ۱۳۵۴ق.
۱۷. صدر، محمد باقر، بحوث فی علم الاصول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعملی، ۱۳۹۳ق.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، قم: انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ش.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، العدة فی الاصول، قم: ۱۴۱۷ق.
۲۲. عراقی، ضیاء الدین، نهایة الافکار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۳. غزالی، ابو حامد، المستصفی من علم الاصول، مصر: المكتبة الامیریه، ۱۳۲۲ق.
۲۴. فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، قم: تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۲۵. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، مقدمات بنیادین علم تفسیر، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۸۱ش.
۲۶. فرهنگ نامه اصول فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، برگرفته از مقاله (حجیت خبر واحد).
۲۷. مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، شرح معالم الاصول، قم: بی جا، چاپ اول، بی تا.
۲۸. محمدی، علی، شرح اصول فقه، قم: دارالفکر، چاپ دهم، ۱۳۸۷ش.
۲۹. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۳۰ق.
۳۰. معارف، مجید، حدیث، جایگاه و کارکرد آن در مبانی تفسیری آیت الله جوادی آملی، دو فصل نامه مطالعات روش شناسی دینی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ش.
۳۱. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، قم: انتشارات تمهید، چاپ دهم، ۱۳۷۹ش.
۳۲. ناصح، علی احمد، اعتبار و کاربرد روایات تفسیری، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.

۳۳. ناصری، امان الله، روش علامه طباطبایی در بررسی و نقد تفاسیر روایی با تکیه بر قاعده سیاق، دو فصل نامه علمی پژوهشی، حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش.

۳۴. نائینی، محمد حسین، اجود التقریرات، قم: انتشارات مصطفوی، ۱۳۶۸ش.

۳۵. واعظ، سید محمد سرور، مصباح الاصول، تقریرات بحث آیت الله خویی، قم: منشورات مکتبة الداوری، ۱۴۰۹ق.

